تحیر در مقابل احاطه

[در حال شرح] صفحه هفتاد بودیم. حضرت علیه السلام، چهار جمله فرمودند. ما داشتیم لغاتش ر بررسی می‌کردیم؛ طبق فرمایشاتی که مرحوم مجلسی در دو جلد بحارالانوار داشتند. یکی جلد چهارم و دیگری جلد نود بر اساس چاپ اسلامیه.

> **«قد ضلت العقول في أمواج تيار إدراكه ، وتحيرت الأوهام عن إحاطة ذكر أزليته وحصرت الأفهام عن استشعار وصف قدرته ، وغرقت الأذهان في لجج أفلاك ملكوته»[1].**

در جلسه قبل، جمله «قد ضلت العقول في أمواج تيار إدراكه» را بحث کردیم. اگر نکته‌ای در ای عبارت هست، بفرمایید [و الا بحث را ادامه می‌دهیم]. جمله‌ای که امروز بحث می‌کنیم، «و تحيرت الأوهام عن إحاطة ذكر أزليته» است. در برخی از نسخه‌ها، «تخبطت» هم دارد. «تخبط» حالت جنون پیدا کردن است. پریشان شدن است. «تحیر» جنون نیست، با پشتوانه حکمت و عقل هم می‌تواند باشد. تحیری «عن شعورٍ» باشد. به‌طوری‌که متخبط نیست، اما متحیر است.

رابطه‌هایی که امام علیه‌السلام، میان واژه‌ها برقرار کرده‌اند، قابل فکر است: «ضلّت العقول في امواج تيار ادراكه»؛ راه گم می‌کند؛ در موجها گرفتار می‌شود و راه فراموش می‌شود. در اینجا «تحیرت» دارد؛ از چه چیزی متحیر می‌شود؟؛ «عن احاطة ذكر ازليته»؛ از یاد ازلیت خداوند متعال، وهم متحیر می‌شود. از چه چیزی متحیر می‌شود؟؛ «عن الاحاطة». احاطه، تمرکز می‌خواهد. تمرکز یعنی چه؟؛ یعنی عدم تمرکز؛ حیران. هائم علی وجهه به چه صورت است؟ متحیر، متذبذب است. عدم تمرکز در او هویدا است.

حضرت علیه السلام می‌فرمایند می‌خواهد احاطه پیدا کند؛ یعنی یک نحو تمرکز ادراکی روی محاط و مدرک خودش پیدا کند که ذکر ازلیت خداوند است. وقتی می‌خواهد احاطه پیدا کند و متمرکز شود، می‌بیند از اینجا به جای دیگری پرت می‌شود. آنجا می‌خواهد تمرکز کند، به جای دیگری پرت می‌شود.

«تحيّر» یعنی حیران. «كَلَّدِي سَتَهَوَتَهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ[2]» یعنی این حالت به آن حالت به این صورت است، از این حالت به آن حالت.

بنابراین «تحیر» مقابل «احاطه» است. «احاطه» استقرار است، تمرکز است. محیط، هیچ وقت از محاط فرار نمی‌کند. چیزی که بر دیگری محیط است، کاملاً محیط است. محیط یعنی قرار است، آرام است و محاط در چنگش هست. وهم می‌خواهد محیط شود. یعنی در ذکر و یاد ازلیت خداوند متعال قرار می‌گیری تا آرام شود و راحت شود، تا می‌آیی آرام شود و محیط شود و متمرکز شود، متحیر می‌شود؛ یعنی از اینجا به جای دیگری پرت می‌شود. می‌بینند که نشد! آنچه که می‌خواست از احاطه و تمرکز به دست بیاورد، به جای دیگری پرتاب شد و تمرکزش به هم خورد.

[1]. شیخ صدوق، التّوحيد، ج ۱، ص ۷۰.

[2]. الانعام، آی ۷۱.

بازبینی #2
ایجاد شده 25 ژانویه 2025 15:29:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 ژانویه 2025 15:31:33 توسط ... .